



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gofteman.isri.ac.ir>

Volume: 1 ; Number: 1

Discourse Creation of The Province (Models, Methods and Tools)

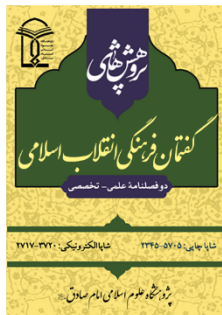
Mohammad Shabdini Pashaki*, Ali Karimi Khushal**, Mahmoud Sarafraz***

doi: <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.140558>

Received: 2024/6/8 ; Accepted: 2024/9/15

Type of Article: Research

(67-92)



Abstract

Discourse is a widespread concept and epistemology at a certain point in time. Among the cultural discourses at the forefront of Islam is the Wilayat discourse, which can be drawn as a path-breaking model for religious missionaries through historical investigation and emerging from religious teachings. The aim of the current research is to achieve the model, methods and tools of the discourse of the province based on the verses and the lives of the innocents. The research method is descriptive-analytical based on the content analysis method. The findings showed that the discourse of guardianship in Islam refers to the Muslim's relationship with the absolute guardian of God, the Blessed and Exalted, and God's guardianship towards humans. Based on this, the hierarchy of guardianship is formed, namely the guardianship of God, the guardianship of the Prophet, the guardianship of the infallible Imam, and the guardianship of the jurist. According to the religious teachings of raising awareness, reasoning and proof, connecting the mission to the province, explaining and drawing the stages of the province, emphasizing the notification and propagation of the province, creating sensitivity, evangelism and warning, repetition and warning, practical propagation (the succession of the Prophet 6 in the time His life, the making of a symbol), the order to create culture and use art is considered as one of the methods of creating the discourse of the province, especially in the era of the Prophet. In this way, the tools that have been used can be summarized in speech, writing and behavior. The research results can be used for cultural and propaganda centers.

Keywords: Velayat Discourse, Discourse Creation, Model, Method, Tool.

*. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Institute of Theology and Islamic Studies, Research Institute of Islamic Sciences Imam Sadiq, Qom, Iran gilan1391@gmail.com.

** . PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran (corresponding author), alikkh@chmail.ir.

***. PhD in Shia Studies, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m_sarafraz110@yahoo.com.



گفتمان‌سازی ولایت (مدل، شیوه و ابزار)

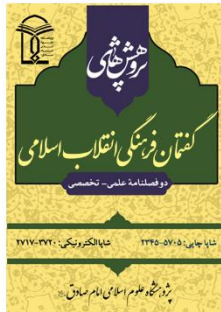
محمد شبیدینی پاشاکی*، علی کریمی خوشحال**، محمود سرافراز***

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.140558>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

(۶۷-۹۲)



چکیده

گفتمان، مفهوم و معرفتی همه‌گیر در برهه‌ای از زمان است. از جمله گفتمان‌های فرهنگی در صدر اسلام، گفتمان ولایت است که می‌توان با بررسی تاریخی و برآمده از آموزه‌های دینی، مدلی راه‌گشا برای مبلغان دینی ترسیم نمود. هدف پژوهش حاضر دستیابی به مدل، شیوه‌ها و ابزارهای گفتمان‌سازی ولایت بر اساس آیات و سیره معصومان است روش تحقیق از نوع توصیفی — تحلیلی بر اساس شیوه تحلیل محتوا است. یافته‌ها نشان داد، گفتمان ولایت در اسلام ناظر به رابطه مسلمان با ولی مطلق خداوند تبارک و تعالی و ولایت خداوند نسبت به انسان‌ها است. بر همین اساس سلسله مراتب ولایت یعنی ولایت خداوند، ولایت پیامبر، ولایت امام معصوم و ولایت فقیه شکل می‌گیرد. طبق آموزه‌های دینی آگاهی‌بخشی، استدلال و برهان، پیوند رسالت به ولایت، تبیین و ترسیم مراحل ولایت، تأکید بر ابلاغ و تبلیغ ولایت، ایجاد حساسیت، تبشیر و انذار، تکرار و تذکر، تبلیغ عملی (جاننشینی پیامبر ۶ در زمان حیات ایشان، ساخت نماد)، امر به فرهنگ‌سازی و بهره‌گیری از هنر از جمله شیوه‌های ایجاد گفتمان ولایت به ویژه در عصر رسالت به شمار می‌رود. در این مسیر ابزارهایی که مورد استفاده قرار گرفته است را می‌توان در گفتاری، نوشتاری و رفتاری خلاصه نمود. نتایج پژوهش می‌تواند برای مراکز فرهنگی و تبلیغی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: گفتمان ولایت، گفتمان‌سازی، مدل، شیوه، ابزار.

*. استادیار گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه الهیات و معارف اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران
gilan1391@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
alikkh@chmail.ir

*** دانش‌آموخته دکتری شیعه‌شناسی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران،
m_sarafraz110@yahoo.com

۱. بیان مسئله

گفتمان‌سازی حلقه مفقوده مدیریت فکری و فرهنگی انقلاب است. فرض کنیم که توانستیم چپستی یک اندیشه و یک نرم‌افزار فکری برای جامعه هدف را به‌درستی تبیین کنیم، چگونگی رساندن این اندیشه به جامعه هدف و تبدیل آن به یک باور عمومی و در نتیجه رفتار عمومی با گفتمان‌سازی محقق می‌شود.

گفتمان‌های زیادی مثل توحید در مقابل شرک، آخرت‌گرایی در مقابل دنیاگرایی، جهاد و شهادت، تکلیف‌گرایی و... با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان به‌وجود آمد. از جمله گفتمان‌های به‌وجود آمده در آن عصر گفتمان ولایت است که در مقابل گفتمان شیخوخت (بزرگی سن) قرار می‌گرفت. تحلیل مفهوم گفتمان ولایت و تبیین شیوه‌ها و ابزارهای چگونگی ایجاد و تثبیت این گفتمان طوری که در آن روز، آن را به دغدغه عمومی مسلمانان تبدیل نمود، آن هم بر اساس مدلی که برخاسته از آموزه‌های دینی باشد، می‌تواند مسیر بسیار روشنی را برای مبلغان دینی در راستای گفتمان‌سازی موضوع ولایت بگشاید.

تلاش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در طول بیست‌وسه سال ابلاغ وحی الهی، در مسیر ایجاد و نهادینه کردن این گفتمان در بین مسلمانان صدر اسلام و فرآیند تربیتی ایشان صلی الله علیه و آله بسیار قابل توجه است؛ آموزه‌هایی همچون: جامعه اسلامی و مسلمانان ولی و رهبر دارند، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم ولی مطلق خداوند است، این ولایت در رهبری امور اجتماعی به پیامبر صلی الله علیه و آله واگذار شده است.

ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امور اجتماعی و سیاسی مطلق است و هیچ مسلمانی حق سبقت بر او در مسائل سیاسی و اجتماعی را ندارد و... (شبدینی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۳).
واگذارشدن ولایت پیامبر بعد رحلت ایشان به امامان معصوم و در نهایت رسیدن ولایت به امام عصر علیه السلام و در عصر غیبت به فقهای جانشین او از مباحثی است که اجماع مکتب تشیع بر آن قرار گرفته است. خاستگاه گفتمان‌سازی ولایت به قرآن کریم برمی‌گردد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز با شیوه‌ها و ابزارهای گوناگونی، معرفت و اندیشه ولایت را در جامعه مسلمانان صدر اسلام مطرح نمود و به یک گفتمان رایج تبدیل نمود.

در این میان به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای مناسب به منظور ایجاد و تثبیت گفتمان ولایت از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما مسئله‌ای که وجود دارد، نبود مدلی است که اجزای گفتمان‌سازی ولایت را ارائه نماید تا بر اساس آن بتوان زمینه شکل‌گیری صحیح گفتمان و مسیر اجرایی آن هموار کرد. چگونگی ایجاد و تثبیت گفتمان ولایت و شیوه‌ها و ابزارهای آن، زمانی مفید و ثمربخش است که بتوان بر اساس آموزه‌های دینی مدلی برای گفتمان‌سازی ارائه داد تا الگویی برای ایجاد گفتمان‌های دیگر در عصر حاضر باشد. بر این اساس، مقاله حاضر در پی ارائه مدل، شیوه‌ها و ابزارهای گفتمان‌سازی ولایت بر اساس آموزه‌های دینی است.

بر این اساس شایسته است چگونگی تکوین گفتمان ولایت و سپس شیوه‌ها و ابزارهای این گفتمان مورد واکاوی قرار گیرد. پرسش اصلی نوشتار پیش رو عبارت است از: «مدل، شیوه‌ها و ابزارهای گفتمان‌سازی ولایت بر اساس آیات و سیره معصومان: چیست»؟

۲. تعریف مفاهیم

۲-۱. گفتمان

اصطلاح گفتمان (discourse)، در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه خود، اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند معروف فرانسوی، امیل بنونیست، به کار گرفته شد و رواج یافت (کرباسیان، ۱۳۹۴). واژه گفتمان در زبان فارسی اسم مصدر بوده و به معنای گفتگو و مباحثه آمده است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶: ۶۱۹۹).

تعاریف گوناگونی برای گفتمان در معنای اصطلاحی آن ارائه شده است که شاید به سختی بتوان فصل مشترکی بین آنها یافت و همین امر این واژه را به پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم عصر ما تبدیل کرده است (کلانتری، ۱۳۹۱: ۷). نظریه گفتمان، بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد حقیقت اجتماعی تأکید می‌کند. به طور کلی، در این نگرش به گفتمان، شیوه یا شیوه‌هایی که در آن، نظام‌های معانی یا «گفتمان‌ها»، فهم مردم را از خود در جامعه شکل می‌دهند و بر فعالیت‌های آنان تأثیر می‌گذارند؛ بررسی می‌شود (صدر، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

در قرآن کریم و روایات واژه‌ای معادل گفتمان به کار برده نشده، اما برخی واژه‌های مرتبط

و نزدیک به آن وجود دارد که به وجود یک گفتار و یا ایجاد گفتار جدید اشاره دارد. نزدیک‌ترین واژه از لحاظ مفهومی به گفتار، ماده «قَوْل» است که به معنای سخن، سخن گفتن و گفتگو می‌باشد و در برخی از مواردی که در قرآن کریم به کار رفته، اشاره به گفتار خاصی دارد (آل عمران: ۲۶).

واژه‌های «تَحَسَّبَنَّ» از ماده «حَسَبَ» (آل عمران: ۱۶۹)، واژه «رَعَمَ» (انعام: ۹۴)، و واژه «ظَنَّ» (جن: ۷) از دیگر واژگان قرآنی و روایی است که دلالت بر یک باور عمومی و گفتار رایج در عصر نزول دارد.

در بین متفکران اسلامی، امام خامنه‌ای داماد در تعریف و تبیین چیستی گفتار از تعبیر متعددی بهره گرفته است. در مجموع می‌توان گفتار را از منظر ایشان به معرفت همه‌گیر، باور عمومی و فکر رایج تعریف نمود (بیانات امام خامنه‌ای داماد، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵، ۱۳۸۸/۹/۲۲، ۱۳۹۱/۹/۲۱، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴، ۱۳۹۰/۲/۲۷، ۱۳۸۷/۶/۲، ۱۳۸۳/۸/۱۰، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

بر اساس مطالب بالا می‌توان تعریف امام خامنه‌ای داماد را در تبیین چیستی گفتار روان‌ترین، ساده‌ترین و جامع‌ترین تعریف‌ها و متناسب با مقتضیات امروز به شمار آورد که تعریف مختار در این نوشتار نیز به شمار می‌رود.

۲-۲. گفتار‌سازی

امروزه به فرآیند تبدیل و یا ورود نظریه و یا گفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم گفتار‌سازی می‌گویند. (اسکندری، ۱۳۹۴). گفتار‌سازی به معنای ارائه تصویری صحیح از اندیشه و معرفت مورد نظر است؛ امام خامنه‌ای داماد می‌فرماید: «مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتار‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.» (بیانات امام خامنه‌ای داماد، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

ایشان در تبیین گفتار‌سازی آن را به ساختن فضای فکری، تصمیم‌سازی، ایجاد یک فضای گفتار‌گویی که همه در آن بیان‌دهند آن طور که عناصر اجرایی هم مطابق آن بیان‌دهند،

تعریف نموده‌اند (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌العلیه، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳).

ایشان می‌فرمایند: «فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاداندیشی را... راه بیندازید و اینها را هی آنجا بگوئید؛ این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند.» (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌العلیه، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳).

بر این اساس، یکی از مؤلفه‌های گفتمان‌سازی معرفت، اندیشه و یک آرمان است که نیازمند طرح، تکرار و در پی آن استقبال است که سبب گفتمان شدن آن می‌شود؛ (یک نمونه زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به‌عنوان یک گفتمان درآمد...) (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌العلیه، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰).

بنابراین گفتمان‌سازی به معنای فراگیر کردن و عمومیت بخشیدن به یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است؛ به‌گونه‌ای که به سبب فضای فکری به‌وجود آمده، همه در آن فضا می‌اندیشند، پیرامون آن با یکدیگر حرف می‌زنند و تبادل گفتار و معنا می‌کنند، جهت می‌گیرند، به آن معتقد می‌شوند و طبق آن رفتار، و نسبت به آن مطالبه‌گری می‌کنند، و سبب تولد و توسعه دانش‌ها می‌شوند (شب‌دینی پاشاکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹-۱۰).

۲-۳. ولایت

واژه ولی، ولایت، ولاء، مولی، اولیاء، اولی و امثال آن که از ماده «وَلَى» اشتقاق یافته، از پرکاربردترین واژه‌های قرآن کریم است. کثرت استعمال این واژه در قرآن کریم، دلیلی بر اهمیت آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۵).

در کتاب‌های لغت، معانی متعددی را برای مفهوم ولایت آورده‌اند (شیبانی جزری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۲۲۷-۲۲۸). معنای جامعی که راغب اصفهانی (۱۴۱۲ ق: ۸۸۵-۸۸۷) بدان تصریح دارد و بزرگانی چون علامه طباطبایی (۱۴۱۷ ق، ج ۵: ۳۶۸) و شهید مطهری

(۱۳۷۲، ج ۲۶: ۳۳۰) بر آن تأکید می‌نمایند، آن است که ولاء و توالی، یعنی قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر به نحوی که میان آن دو فاصله‌ای نباشد؛ یعنی آن چنان متصل باشند که حایلی بین آن دو متصور نباشد. مثل موردی که چند نفر پهلو به پهلو نشسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۶).

جوادی آملی می‌نویسد: «این واژه با هیئت‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی «حبّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی» و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی، همان قرب معنوی است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ پ: ۱۲۲).

اثبات وجود ولایت در عالم خارج امر آسانی است؛ محل تلاقی گفتمان ولایت در اسلام با سایر گفتمان‌ها در حوزه ولایت ناظر به رابطه انسان با خالق خویش است که ولایت خدا را نسبت به انسان‌ها و ولایت انسان‌ها نسبت خداوند (به معنای پذیرش ولایت الهی، تبعیت از او و محبت به او) را در مرتبه بعد از خالقیت خداوند اثبات می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۹-۴۶)؛ چرا که کافران و مشرکان به خالقیت خداوند معتقد بودند، اما در ربوبیت خداوند شرک می‌ورزیدند (لقمان: ۲۵).

از مجموع آیات قرآن کریم استفاده می‌شود اصل وجود ولایت قطعی است، اما مسأله‌ای که لازم است انسان نسبت به آن هوشیار باشد این است که بداند تحت ولایت چه کسی قرار می‌گیرد و چه کسی را ولی خود برمی‌گزیند. در همین راستا، خداوند سلسله مراتب ولایت را در قرآن کریم تبیین می‌کند که پس از ولایت خداوند، ولایت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سپس ولایت امام معصوم علیه السلام قرار دارد.

گفتمان ولایت در مرتبه رسالت، پس از اثبات ولایت الله، تا حدود زیادی مشخص می‌شود و به جز افراد مغرض، عموم انسان‌ها با دیدن معجزات نبوی به فرستاده بودن او از سوی خداوند و ولایت داشتن او بر مؤمنان ایمان می‌آورند. اما استمرار گفتمان ولایت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله تا روز قیامت و چگونگی آن محل چالشی است، که عالم اسلام با آن روبرو شد و دچار انحراف گردید و مرتبه سوم از ولایت یعنی ولایت امام معصوم علیه السلام را در ادامه ولایت الله و رسولش، نپذیرفتند. اهمیت این روند به خاطر تعیین‌کننده بودن آن برای تعیین

جهت و مسیر حرکت جامعه در آینده بعد از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، به گونه‌ای که اگر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی که شایستگی جانشینی ایشان را نداشته باشد، افسار مدیریت و هدایت جامعه را به دست بگیرد، تمام زحمات چندین ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله به هدر خواهد رفت. همچنانکه در زمان غیبت کبری نیز این مبحث مطرح می‌شود، که ولایت الهی چگونه جاری خواهد بود، که در واقع تبیین‌کننده مرتبه چهارم از ولایت یعنی ولایت فقیه جامع‌الشرائط است.

۳. روش‌شناسی

برای تدوین مقاله حاضر از روش توصیفی — تحلیلی بر اساس شیوه تحلیل محتوا استفاده شد. به این معنی که طرح و چارچوب کلی پژوهش مشخص شد، سپس با مراجعه به احادیث معصومان: نکات برجسته در خصوص ولایت احصاء گردید و در نهایت در قالب مدل گفتمان‌سازی ارائه و تجزیه و تحلیل گردید. ابزار مورد استفاده فیش تحقیقاتی بود.

۴. یافته‌ها

در این بخش یافته‌های تحقیق در قالب ارائه مدل، شیوه و ابزارهای گفتمان ولایت ارائه می‌گردد.

۴-۱. مدل مفهومی گفتمان‌سازی

با توجه به تعریف ارائه شده از گفتمان یعنی معرفت و باور عمومی و با توجه به اینکه مراد از گفتمان‌سازی این است که مخاطب گفتمان خود به عنصری فعال در ایجاد، تعمیق و عملیاتی شدن گفتمان تبدیل شود، به مدل مفهومی نیاز است که سیر ادراک یک مفهوم و تبدیل آن به باور و سپس ظهور آن در عمل انسان را به طور فرآیندی منظم ترسیم نماید.

توجه به این نکته لازم است که فرآیند گفتمان‌سازی شامل دو مرحله تولید معرفت و انتقال معرفت است. مرحله تولید معرفت ناظر به نظریه‌پردازی در حوزه مفهوم و معرفت و ایجاد نظام معنایی بر اساس مفهوم‌سازی، واژه‌سازی و ارائه مدل مفهومی گفتمانی معرفت مورد نظر است، چنانکه در این مقاله معرفت مورد بحث موضوع «ولایت» است؛ که در عنوان

«خاستگاه گفتمان ولایت» به آن خواهیم پرداخت. مرحله انتقال معرفت نیز ناظر به بهره‌گیری از شیوه‌ها و ابزارهای انتقال مفاهیم و تبدیل آنها به معرفت و باور و در نهایت ظهور و بروز آن در عمل است.

فطرت واژه کلیدی در ترسیم مدل مفهومی گفتمان‌سازی است. توضیح مطلب اینکه با توجه به طیف‌ها و بخش‌های مختلف جامعه نوع گفتمان‌سازی متناسب با آنها متفاوت می‌شود. در هر جامعه‌ای، می‌توان سه بخش مدیریتی، نخبگانی و عامه مردم را از هم تفکیک کرد. هر چند این سه بخش دارای اشتراکاتی هستند، اما تفاوت‌هایی هم دارند که همین تفاوت‌ها باعث تمایزشان از هم می‌شود. از مهم‌ترین تمایزات موجود در بین این سه قشر، تمایز در روش درک واقعیت‌ها و رفتار مبتنی بر آنهاست. در بخش مدیریتی جامعه، مجموعه‌ای از سلسله مراتب و دستورالعمل‌ها وجود دارد و هر سطح مدیریتی، مبتنی بر قانون بالادستی عمل می‌کند؛ یعنی منطق درک واقعیت و رفتار مبتنی بر آن در نظام سیاسی و مدیریتی جامعه، مبتنی بر قوانین و دستورالعمل‌هاست.

در بخش نخبگانی جامعه، منطق دیگری مبتنی بر اقناع منطقی و استدلالی فرد نخبه حاکم است. به عبارت دیگر، در بخش نخبگانی جامعه، فرد نخبه با یک سلسله فعالیت‌های استدلالی و عقلی محض، دست به درک واقعیت‌های موجود می‌زند و مبتنی بر همین نوع از درک، رفتار می‌کند.

اما در بدنه جامعه که مخاطب اصلی گفتمان‌سازی است، شرایط کاملاً متفاوت است. حوزه عمومی جامعه برخلاف حوزه مدیریتی، مبتنی بر دستورالعمل و بخشنامه و اعمال نظر نبوده و برخلاف حوزه نخبگانی، بر اساس اقناع فکری و استدلالی نیست؛ بلکه منطق موجود در این حوزه، مبتنی بر «اقناع فطری» انسان‌هاست؛ اقناعی که چندان وابسته به استدلال و سلسله مراتب عقلی نیست (البته در زیربنای خود کاملاً به آن وابسته است)، بلکه مبتنی بر برانگیختن حساسیت‌های فطری جامعه است (نعیمی، ۱۳۹۴).

آزادی و اختیار کلیدواژه دیگری در ترسیم مدل گفتمان‌سازی است؛ چراکه ایجاد گفتمان مبتنی بر افعالی است که افراد از روی آزادی و اختیار انجام می‌دهند (شبه‌دینی پاشاکی و

دیگران، ۱۳۹۵: ۴۷). مبادی و مراحل فعل اختیاری که شاکله اصلی مدل گفتمان‌سازی را تشکیل می‌دهد را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:

الف) صورت علمی؛ علم نقش بسیار زیادی در انجام افعال دارد، زیرا واسطه اصلی میان فاعل با فعل است. البته این علم همیشه حصولی نیست که نیاز به تأمل و تفکر داشته باشد؛ بلکه ممکن است حضوری و یا ناشی از ملکات نفسانی انسان باشد که در این صورت فعل بی‌درنگ از فاعل صادر می‌شود، اما اگر کمال بودن فعل برای فاعل مورد تردید باشد و تصدیق آن نیاز به تفکر و تأمل داشته باشد، فاعل به بررسی آن فعل مردد می‌پردازد که آیا کمالی را برای او ایجاد می‌کند یا نه و چنانچه کمال بودن آن مورد تصدیق قرار گرفت، آن را انجام خواهد داد. گاهی هم صورت علمی، تخیلی است، نه فکری، تا فاعل درباره آن به اندیشه و تأمل بپردازد.

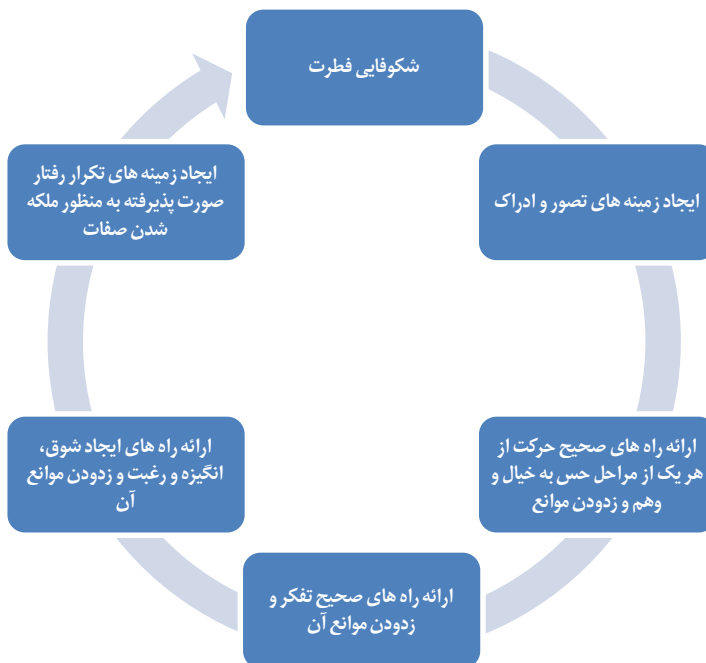
ب) شوق؛ نفس علم، شوق را به وجود می‌آورد، اما نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه نمود، ارتباط شوق و گرایش حاصل پس از علم با گرایش‌های فطری است. شوقی که بعد از علم پدید می‌آید، تعیین‌یافته امیال و گرایش‌هایی است که در نفس انسان به صورت ذاتی وجود دارد. نفس آدمی با وجود اینکه موجود بسیطی است، مراتبی دارد که در طول هم‌اند. نازل‌ترین مرتبه روح و نفس انسان، مرتبه‌ای است که با بدن ارتباط مستقیم دارد و به آن مرتبه نباتی می‌گویند. مرتبه بالاتر، مرتبه حیوانی روح است که ادراک حسی و حرکات ارادی از آثار این مرتبه است. مرتبه سوم که بالاترین مرتبه روح است، مرتبه انسانی آن می‌باشد. هر کدام از این مراتب، قوایی در عرض هم دارند؛ برای مثال، مرتبه نباتی دارای قوای جاذبه، دافعه، غذایی، نامیه و... است.

پ) اراده؛ اراده هم واسطه میان علم و تحقق فعل است و عبارت است از میل نفسانی فاعل به سوی فعل و این رابطه یک رابطه حقیقی است. در تبیین واژه اراده، توجه به این نکته لازم است که اراده غیر از علم است، همچنانکه اراده غیر از شوق مؤکد است؛ زیرا شوق هم به اعیان تعلق می‌گیرد و هم به افعال اختیاری انسان، در حالی که اراده فقط تعلق به افعال اختیاری انسان پیدا می‌کند.

ت) قوه عامله؛ که مبدأ نزدیک، مباشر و طبیعی با حرکاتی است که موجب صدور افعال می‌شود و آگاهی نسبت به فعل خود ندارد. قوه عامله که در عضلات قرار دارد، اعضای انسان را برای انجام فعل به حرکت درمی‌آورد (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۲۲، ۱۷۴، ۱۸۶، ۱۸۹؛ شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۶: ۳۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲-۴: ۲۴۷-۲۴۸؛ مطهری، ۱۳۷۱، ج ۶: ۶۱۴ و ۶۲۲؛ مصباح و گرایبی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب: ۱۶۹).

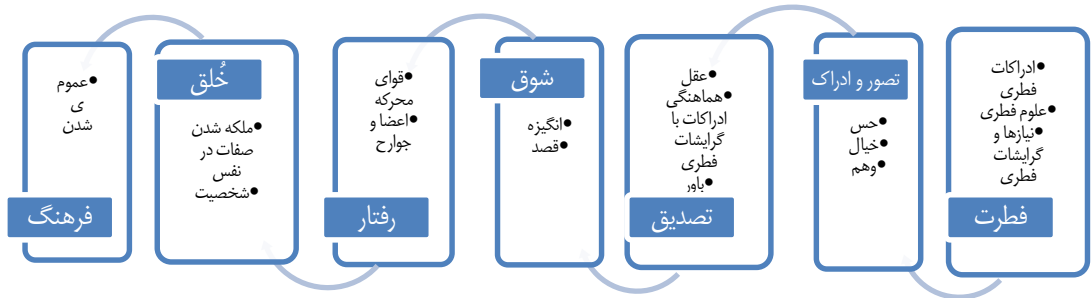
مجموع این مراحل را می‌توان در حدیث گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یافت. ایشان می‌فرمایند: «الْعُقُولُ أَيْمَةٌ الْأَفْكَارِ وَالْأَفْكَارُ أَيْمَةٌ الْقُلُوبِ وَالْقُلُوبُ أَيْمَةٌ الْحَوَاسِّ وَالْحَوَاسُّ أَيْمَةٌ الْأَعْضَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۹۶)؛ عقل‌ها پیشوایان فکرها و اندیشه‌ها است، و فکرها پیشوایان دل‌ها، و دل‌ها پیشوایان حس‌ها (درک کردن و دریافتن) و حس‌ها پیشوایان اعضاء و اندام‌ها می‌باشد».

بر این اساس می‌توان مدل مفهومی گفتمان‌سازی را به شکل زیر ترسیم نمود:



مدل مفهومی گفتمان‌سازی

بر اساس مدل مفهومی بالا، فرآیند گفتمان‌سازی را نیز می‌توان طراحی نمود:



مدل فرایندی گفتمان‌سازی

مرحله آخر در واقع بیانگر تأثیر رفتار بروز یافته در نفس و جسم فرد و محیط پیرامونی است و هر قدر این تأثیر بیشتر باشد، فرد و محیط را به تکرار آن رفتار تشویق می‌کند و در یک روند تکاملی و رو به رشد سبب افزایش انجام آن رفتار و ملکه شدن صفات در فرد و محیط می‌شود، به گونه‌ای که فرد بدون تأمل و بی‌درنگ اقدام به انجام آن رفتار می‌نماید. نکته‌ای که در پایان لازم است به آن توجه نمود اینکه فرآیند بالا در عین اینکه در هر یک از سه بخش جامعه (مدیریتی، نخبگان و عامه مردم) جاری و ساری است، اما شروع گفتمان‌سازی از جامعه نخبگانی و ایجاد جوشش فکری در این قشر است و سپس در میان مردم سرریز می‌شود و گفتمان عمومی ایجاد می‌شود. سپس در پی مطالبه عمومی از دستگاه‌ها و بخش مدیریتی، آن گفتمان توسط دستگاه‌ها اجرایی شده و موانع اجرایی رفع می‌گردد. در نتیجه آن گفتمان به یک حقیقت نمایان تبدیل می‌شود، که امام خامنه‌ای مد ظله العالی در این باره می‌فرماید: «... البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست.» (بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰).

۴-۲. خاستگاه گفتمان ولایت

جای هیچ‌گونه شکی نیست که زمان و عصر طرح گفتمان ولایت (معصومان) بر اساس شواهد قرآنی، عصر رسالت بوده است و این قرآن است که به وسیله وحی و تبیین‌کننده‌ای به

نام پیامبر ﷺ پایه‌های اساسی این گفتمان را در آن عصر طرح‌ریزی نمود تا مسلمانان را که قبل از اسلام به شیخوخیت در روابط اجتماعی و سیاسی عادت کرده بودند، به یک مبنای مترقی در راستای بنیان یک مدنیت پیشرفته، سوق دهد و در ضمن به اجتماع بشری اعلام نماید، گرچه شیخوخیت در بعضی از موارد مورد احترام است، ولی آنجا که پای مسائل اجتماعی و رهبری مردم به میان می‌آید، آن دیگر کارساز نخواهد بود، بلکه مبنا و ملاک، ارزش‌ها و فضایل دینی خواهد بود و ارزش‌های واهی قبل اسلام منسوخ است.

در این راستا این مطلب را تبیین می‌نماید که یک انسان و در رأس آن پیامبر باید در تمام جهات زندگی حیات خود توحیدمدار داشته باشد. به همین علت در آیات متعددی خدا را ولی مؤمنین و مسلمانان معرفی می‌نماید که حق هرگونه تشریح را برای او ثابت می‌نماید؛ «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷)، «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۶۸) و می‌خواهد برای مسلمانان تبیین نماید در هر امری باید ملاحظه نمایند آیا ولی آنان که خداوند حکیم است، رضایت دارد یا خیر؟

سیره پیامبر ﷺ نیز دلالت بر این دارد که ایشان مسلمانان را طوری تربیت کرده بود که در تمام مسائل به دنبال رضایت الهی در اعمال سیاسی و اجتماعی خودشان بودند، تا جایی که گذشتن از جان، یکی از مسائل عادی و روزمره در راه تبلیغ دین برای مسلمانان شده بود، چه برسد به جایی که دستوری صریح از طرف خداوند سبحان بر موضوعی رسیده باشد.

در مرتبه نازل‌تر خداوند سبحان با مصونیت‌بخشی به پیامبرش از طریق آیه مبارکه: «وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴)، اطاعت و پیروی از او را اطاعت از خود معرفی می‌نماید؛ «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۸۰)، و او را شریک در ولایت در بُعد تشریح قرار می‌دهد؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» (مائده: ۵۵)، و تخلف و سرپیچی از فرمان او را گناه می‌شمارد؛ «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب: ۳۶)، تا جایی که حاضر نیست در هیچ امری مسلمانان بر رسول او سبقت و پیشی گیرند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات: ۱)

نکته‌ای که نباید در ضمن «اطیعوا» های فراوان قرآن کریم از آن غافل شد، قرار دادن «اولی الامر» در کنار اطلاق «اطیعوا» می‌باشد، که گویای بُعد دیگر یا قسم سوم از کسانی است که حق ولایت دارند؛ «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹). این آیه کریمه به ضمیمه آیه کریمه: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون» (مائده: ۵۵)، که به اجماع فریقین در شأن علی بن ابی طالب ۷ نازل شده است، بیانگر ولایتی است که بعد از پیامبر ﷺ برای علی علیه السلام تشریح شده است و اگر این آیات با روایات رسیده از نبی اعظم ۶ مانند: «یا ایها الناس انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فتمسکوا بهما لا تضلوا فان اللطیف الخبیر اخبرنی و عهد الی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الخوض...» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۵۰). ضمیمه گردد، روشن می‌سازد این ولایت برای کسانی که نزدیک به پیامبر ﷺ هستند و آن ملکه مصونیت را دارا می‌باشند، برای آنان جملگی ولایت بر مسلمانان قرار داده است و مسلمانان باید بعد از عصر رسالت، آنان را امام و ولی خود قرار دهند و آن نوع اطاعتی که از پیامبر ﷺ داشتند، نسبت به آنان هم داشته باشند.

در حقیقت خداوند با تشریح ولایت در عصر رسالت و تبلیغ و ارائه نمودهای رفتاری آن در آن عصر توسط پیامبر ﷺ و بیان مصادیق ولی در مسائل سیاسی و اجتماعی، تکلیف مسلمانان را تا روز قیامت روشن نموده که آنان در این مسئله رها نیستند، بلکه مصادیق عینی ولی در هر عصری روشن است و همه باید از آنها اطاعت کنند. این مسائل باعث شد که همیشه شیعه دغدغه شناخت امام و ولی را داشته باشد تا زمان حاضر که عصر غیبت است و به تصریح امام زمان ﷺ به شیخ صدوق، فقهاء زمامدار این امر هستند که در کتاب‌های فقهی و روایی به «ولایت فقیه» مشهور شده است.

۳-۴. شیوه‌ها و ابزارها

به منظور ایجاد دغدغه در جامعه نسبت به مراتب ولایت و تبدیل آن به باور عمومی و در نهایت ظهور آن در مرحله عمل، در آیات و سیره پیامبر اعظم ﷺ، از شیوه‌ها و ابزارهایی استفاده شده است که به اختصار به تبیین مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌گردد.

۴-۳-۱. آگاهی بخشی

از جمله شیوه‌ها شیوه آگاهی بخشی است. البته گاهی آگاهی دادن به اصل مسأله ولایت الهی است؛ «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...؛ خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد.» (بقره: ۲۵۷)، و گاهی آگاهی دادن به خسارت‌هایی است که در صورت پذیرفتن ولایت غیر خداوند به انسان می‌رسد و خداوند به نوعی مسلمانان را انداز داده و آنان را بر حذر می‌دارد؛ «... وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا؛ (نساء: ۱۱۹) و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است.»

و گاهی آگاهی دادن به اصل تداوم ولایت الهی و اثبات ولایت پیامبر اعظم ﷺ و در پی آن ولایت جانشین او، امیرالمؤمنین علی ﷺ، است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹) خداوند در این آیه اطاعت و پیروی از فرمان رسولش و صاحبان امر را در کنار اطاعت و پیروی از فرمان خود قرار می‌دهد و مسلمانان را به اطاعت خود و رسول و صاحبان امر، فرمان می‌دهد و لفظ «أَطِيعُوا» را نیز دو بار تکرار می‌کند و از این طریق می‌فهماند که همان ولایتی که برای او ثابت است (البته در مقام تشریح)، برای رسولش و صاحبان امر نیز ثابت است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۲۴۲-۲۴۴).

۴-۳-۲. استدلال و برهان

شیوه دیگر شیوه استدلال و برهان است. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَٰكِنْ يَدْخُلُ مِنَ يَشَاءَ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ (شوری: ۸) و اگر خدا می‌خواست، قطعاً آنان را امتی یگانه می‌گردانید، لیکن هر که را بخواهد، به رحمت خویش درمی‌آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یابوری.»

در این آیه شریفه خداوند بین «من یشاء» و «الظالمون» و نیز بین «داخل کردن در رحمت خود» و بین «ولی و یاور نداشتن کفار» مقابله ایجاد کرده که می‌فهماند آنهایی که داخل در رحمت خدا می‌شوند، هم ولی دارند که ولیشان خداست، و هم نصیر؛ و در مقابل آنهایی که ولی و ناصر ندارند، داخل در رحمت او نمی‌شوند.

در واقع خداوند به انسان‌ها آگاهی و بصیرت می‌دهد که اگر خدا می‌خواست همه را یک امت قرار می‌داد و در قیامت دو دسته نمی‌گشتند، و آن وقت دیگر علت و بهانه‌ای برای فرستادن انبیا و انذار خلق نبود، اما خداوند این را نخواسته، بلکه سنتش بر این جاری شده که خودش متولی و عهده‌دار یک طایفه از مردم (طایفه غیر ستمگر) باشد؛ خواست تا آنها را داخل در رحمت خود یعنی بهشت کند، و امر طایفه دیگر را (ستمگران) بر عهده نگیرد، و در نتیجه ولی و ناصری نداشته باشند و سرانجامشان به سوی دوزخ باشد، و از آتش خلاصی نداشته باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸: ۱۹-۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۲۳).

۴-۳-۳. پیوند رسالت به ولایت

خداوند رسالت را به تبلیغ ولایت پیوند زده و به پیامبرش هشدار می‌دهد که اگر این دستور الهی را ابلاغ نکنی، رسالت خویش را به انتها نرسانده‌ای؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷)

به همین خاطر است که جایگاه امامت و ولایت در اسلام به گونه‌ای است که این نعمت الهی، هم سبب اتمام دین و هم سبب اکمال دین می‌شود و در روز غدیر خم بعد از آنکه رسول اعظم ۶ امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به طور رسمی برای جانشینی خود اعلام کرد، خداوند این آیه را نازل فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.»

۴-۳-۴. تبیین و ترسیم مراحل ولایت

رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتمان‌سازی ولایت مراحل سه‌گانه ولایت را تبیین نمودند؛ بدین صورت که صاحب اختیاری خداوند مسلم است. صاحب اختیاری رسول برگرفته از ولایت الله بر مردم است. صاحب اختیاری امام ادامه ولایت نبی است. در واقع، برای اثبات ولایت الهی برای امام، صاحب اختیاری پیامبر صلی الله علیه و آله محوریت دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله با ظرافت تمام ارتباط این مراحل سه‌گانه ولایت را تشریح نموده، می‌فرماید: «خدا صاحب اختیار من است و به من از

خودم صاحب اختیارتر است و در برابر دستورات او مرا امری نیست؛ و من صاحب اختیار مؤمنینم و نسبت به آنان صاحب اختیارترم و در برابر من آنان را امری نیست؛ و هر کس من صاحب اختیار اویم و نسبت به او از خودش صاحب اختیارترم، علی بن ابی طالب صاحب اختیار اوست و نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر است و در برابر او برایش امری نیست» (حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۳: ۱۳۱-۵۳۵).

۴-۳-۵. تأکید بر ابلاغ و تبلیغ ولایت

گاهی گفتمان‌سازی با تأکید بر آن گفتمان محقق می‌شود. تأکید بر ماجرای غدیر در مقابل دشمنان، چه یک نفر و چه جمعی از دشمنان، چه به صورت گفتاری (خطابه و سخنرانی)، چه به صورت نوشتاری، چه به صورت قسم دادن و اقرار گرفتن و چه به صورت اتمام حجت و محکوم کردن آنان از جمله شیوه‌های رسول خدا ﷺ در تبلیغ غدیر و ولایت امیرالمؤمنین ﷺ بوده است.

از جمله در زمانی که هنوز مردم با شیوه‌های تبلیغ کتبی آشنایی نداشتند، رسول خدا ﷺ از شیوه خاص نوشتاری در مسیر تبلیغ غدیر بهره گرفت. روزی گروهی از قریش نزد رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: ای رسول خدا، نشانه‌ای برای ما قرار بده که بعد از تو گمراه نشویم، همانگونه که قوم بنی اسرائیل بعد حضرت موسی ﷺ گمراه شدند. پس از اصرار فراوان آنها، خداوند به رسولش وحی نمود که دست حضرت علی ﷺ را [به عنوان نشانه جانشینی او پس از خودش] بالا ببرد. رسول خدا ﷺ به جبرئیل فرمود: من از پراکندگی دل‌های مردم ترس دارم. خداوند این آیه را وحی نمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (مائده: ۶۷) در اینجا عکس‌العمل قاطعی لازم بود که به همه شایعه‌ها پایان دهد و شبهه‌ها را ریشه‌کن نماید، که با یک اقدام به موقع و غیرقابل انتظار به ثمر رسید. پیامبر ﷺ امر کرد تا سند مکتوبی برای غدیر آماده شود؛ و برای این کار دستور داد تا بلال ندا دهد و همه جمع شوند. وقتی مهاجرین و انصار و سایر گروه‌های مردم جمع شدند، حضرت حاضران را به مرتب کردن صف‌های خود دعوت کرد. با این کلمات پیامبر ﷺ، همه گروه‌ها در برابر آن حضرت در صف‌های منظم ایستادند و منتظر سخنان

حضرت شدند. سپس پیامبر ﷺ دوات و کاغذی طلب کرد و به یک نفر دستور داد آنچه را می‌گوید و مردم اقرار می‌کنند به صورت مکتوب درآورد و ثبت کند. همه این گفتگوها طبق دستور حضرت در آن ورقه ثبت شد؛ تا سندی مکتوب از غدیر برای آینده‌ها و آیندگان باشد (انصاری، ۱۳۹۱: ۴۲-۴۳؛ به نقل از مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵: ۲۸۲).

۴-۳-۶. ایجاد حساسیت

گونه دیگری در بهره‌گیری از فرصت‌ها گفتمان‌سازی غیرعلنی و استفاده از شیوه ایجاد حساسیت است. پیامبر اعظم ﷺ در موقعیت‌های مختلف و در شرایط حساس، نگاه و توجه ویژه‌ای به حضرت علی ﷺ در برابر دیگران از خود نشان می‌داد.

از جمله هنگامی که بعد از فتح مکه آیات سوره «برائت» (بیزاری خدا و پیامبر از مشرکان) نازل شد. پیامبر اسلام ﷺ مأموریت یافت که به بت‌پرستان حجاز اعلام کند که باید وضع خود را تا چهار ماه آینده روشن کنند. برای ابلاغ این پیام الهی، نخست یک نفر مأموریت یافت که با چهل تن روانه مکه شود. او در راه مکه بود که وحی نازل گردید که این پیام را، باید خودت و یا کسی که از خودت است، به مردم برساند. پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی ﷺ فرمان داد که راه مکه را در پیش گیرد و نفر اول را دریابد و به او بگوید که انجام این کار به وی محول شده است. حضرت علی ﷺ با گروهی از یاران رسول خدا ﷺ، در حالی که بر شتر مخصوص پیامبر سوار شده بود، برای رساندن پیام راه مکه را در پیش گرفت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۱۶۲-۱۶۴).

۴-۳-۷. تبشیر و انذار

این شیوه به معنای توجه دادن مسلمانان به آثار پذیرش ولایت خداوند و پیامبر و امامان معصوم: و تشویق به پذیرش آن یا پیامدهای پذیرش ولایت شیطان و کافران و برحذر داشتن از پذیرش آن است.

در خصوص تبشیر، خداوند بعد از اینکه ولایت را در انحصار خود، رسولش و مؤمنان قرار داد، (مائده: ۵۵) در بیان آثار پذیرش این ولایت، پیروزی و غلبه را از آن حزب خدا معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۳۳-۴۳۴) و می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ

رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ۝ (مائده: ۵۶) و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بدانند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروز‌مندانند.»

در خصوص انذار نیز خداوند مؤمنان را از اینکه کافران را ولی خود انتخاب کنند، بر حذر می‌دارد و اندرز می‌دهد که خود حجتی واضح علیه خودشان به دست خدای متعال ندهند و خود را در معرض خشم و عذاب خداوند قرار ندهند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵: ۱۱۷-۱۱۸) و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَ تُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ (نساء: ۱۴۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید. آیا می‌خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید؟»

در همین راستا پیامبر اعظم ﷺ نیز با اشاره به آثار و پیامدهای تبعیت و عدم تبعیت از ولایت، مسلمانان و مؤمنان را به پذیرش ولایت تشویق و از دوری از ولایت برحذر می‌دارد. ایشان در حدیث شریف ثقلین می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ همانا من در میان شما دو چیز سنگین و گران می‌گذارم، چیزی که اگر بدان چنگ زبید هرگز پس از من گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت من اهل بیتم» (مفید، ۱۴۱۳ ق الف، ج ۱: ۲۳۳).

۴-۳-۸. تکرار و تذکر

از جمله شیوه‌ها شیوه تکرار و تذکر است که در برخی از موارد همراه با ملامت و توبیخ بود. اما نکته قابل توجه اینکه این تذکر امری محدود نبود، بلکه به صورت امری دائم و مکرر بوده و در موقعیت‌های مختلف و به مناسبت‌های متعدد بحث ولایت الهی مطرح می‌شده است. خداوند متعال به مناسبت‌های مختلف و در وقایع و اتفاقاتی که برای مسلمانان می‌افتاد، مسأله ولایت الهی را به آنان تذکر می‌دهد از جمله در جنگ احد، هنگامی که گروهی تصمیم گرفتند از جنگ کناره بگیرند؛ خداوند به آنان متذکر می‌شود که مؤمنی که معتقد به ولایت الهی است در خود سستی و ترس راه نمی‌دهد و بلکه سزاوار این است که امر خود را

به خدا واگذار کند و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۶) و می‌فرماید: «وَ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَ لِيَهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ (آل عمران: ۱۲۲) آن هنگام که دو گروه از شما بر آن شدند که سستی ورزند با آنکه خدا یاورشان بود. و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

رسول خدا ﷺ نیز در طول حیات خویش از هر فرصتی و به طور مداوم، برای گفتمان‌سازی ولایت امیر المؤمنین ﷺ بهره می‌جستند؛ موارد فراوانی در تاریخ زندگانی رسول خدا ﷺ در این خصوص به چشم می‌خورد؛ از ابتدای ظهور اسلام و اعلان عمومی اسلام در بین نزدیکان و خویشاوندان (حدیث یوم الدار) گرفته تا بیان حدیث منزلت و بیان حدیث همراهی همیشگی حضرت علی ﷺ با حق و قرآن و هماهنگی آن دو با آن حضرت، تا آنجا که به هنگام احتضار نیز برای نوشتن وصیت در خصوص ولایت امیرالمؤمنین و امامان بعد از او: قلم و دوات درخواست نمودند و پس از مخالفت عده‌ای، از نوشتن وصیت چشم پوشید و جمعیت را از خود دور کردند و افرادی از شیعیان علی ﷺ مثل مقداد و ابوذر را نزد خود نگاه داشت و وصیت خود را نسبت به امامان پس از خود نزد آنان مطرح نمود (هلالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۸۷۷-۸۷۸).

۴-۳-۹. تبلیغ عملی

شیوه دیگر شیوه تبلیغ عملی بود که نموده‌های مختلفی داشته است. از جمله نموده‌های این شیوه ساخت نماد است که بارزترین مصداق آن زنده‌نگهداشتن اصلی‌ترین مکان متعلق به غدیر یعنی قدمگاه نبی و وصی ایشان کنار درختان سرزمین خم است، که بر سر راه حاجیان و عمره‌گزاران قرار می‌گرفته است. نخستین کسی که به این امر اقدام نمود خود رسول خدا ﷺ بود که دستور علامت‌گذاری جایگاه واقعه غدیر را داد؛ زیر درختان غدیر و اطراف منبر توسط آن حضرت و اصحابش به عنوان مسجد غدیر سنگ چین شد (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۹۱).

البته این روند تا عصر غیبت صغری ادامه داشت و توسط امیرالمؤمنین علی ﷺ بازسازی و در زمان امام باقر، امام صادق و امام کاظم: احیا شد. همانگونه که تخریب آن پس از

بازسازی به دستور معاویه و نهایتاً تخریب امروز آن به دست وهابیت نشانگر سنگینی بار تبلیغی این اقدام معصومان: در چشم اهالی سقیفه است (انصاری، ۱۳۹۱: ۸۷-۹۲).

از دیگر مصادیق تبلیغ عملی که برای روابط چهره‌به‌چهره مردم در نظر گرفته شده است، اظهار و نشان دادن خوشحالی در سیما و گفتار در روز غدیر و تبریک گفتن دوستان غدیر به یکدیگر است؛ تا آنجا که خود رسول خدا ﷺ با تأکید از مردم می‌خواست که به او تبریک بگویند. پس از اتمام خطبه غدیر، پیامبر و حضرت علی علیه السلام از پله‌های منبر غدیر پایین آمدند و همزمان مردم نیز مشتاقانه از جا برخاستند و از هر سو با ازدحام به طرف منبر حرکت کردند، در حالی که دست‌ها را به نشانه بیعت بالا برده بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله برای نشان دادن غدیر به عنوان بزرگترین مناسبتی که در عمر مبارکش باید به او تبریک گفت، می‌فرمود: «به من تبریک بگویند، به من تهنیت بگویند، زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم را به امامت اختصاص داده است» (بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، جزء ۳: ۴۰، ۶۳، ۱۹۴-۱۹۶).

این امر در رسمیت یافتن عید غدیر نقش بسزایی داشت. اهمیت این موضوع آنجایی نمایان می‌شود که مردم آن زمان تبریک گفتن را در هیچ موضوعی جز ولادت و عروسی فرزندان نشان را تجربه نکرده بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها عید بودن غدیر را رسماً اعلام کرد، بلکه به‌طور خاص دستور عید گرفتن این روز را برای بعد از خود به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمود (همان: ۲۱۱).

گونه دیگری از شیوه عملی این بود که آن حضرت در زمان حیاتشان، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود قرار داد و با این کار مردم را در خصوص جانشینی آن حضرت بعد از خویش به نوعی تمرین داد. در کتب تاریخی اینگونه آمده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از احتمال هجوم سپاه روم به مدینه باخبر شد، مسلمانان را فراخواند و فرمان داد برای حرکت به سوی سپاه روم آماده شوند. از سوی دیگر می‌دانست که منافقان ممکن است در غیاب او دسیسه کنند و مدینه را به آشوب کشند. از این رو، تصمیم گرفت امام علی علیه السلام را با خود ببرد و در مدینه بگذارد. چون منافقان از تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه شدند، شایعه انداختند که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام بی‌مهری کرده و او را با خود نمی‌برد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز برای روشن ساختن هدف خویش

از همراه نکردن علی علیه السلام با سپاه، از مقام و منزلت والای او نزد خویش پرده برداشت و فرمود: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ آیا راضی نیستی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی ۷ باشی جز اینکه پیامبری بعد از من نخواهد بود» (مفید، ۱۴۱۳ ق ب: ۵۷). این حدیث به حدیث منزلت شهرت یافت.

۴-۳-۱۰. امر به فرهنگ‌سازی

این شیوه‌گونه‌ای از شیوه‌های فعال است که در پی آن مخاطبان لباس تبلیغ به تن کرده و فعالانه به ایفای نقش می‌پردازند. تبلیغی که توسط خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته، ناظر به انواع مخاطبان تا روز قیامت است. در فرازی از خطبه غدیر آمده است: «وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لِدًا أَوْ لَمْ يُولَدْ؛ من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده‌اند یا نیامده‌اند» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۶۲).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این جملات که در آن دو بار از واژه تبلیغ استفاده شده (بَلَّغْتُ، بِتَبْلِيغِهِ)، مخاطب خود را از آن مجلس خاص گسترده‌تر اعلام کرده و این عمومیت را از سه جهت گسترش داده است:

الف. غایبان از آن مجلس که قاعدتاً باید حضور می‌یافتند ولی نتوانسته‌اند (واژه «حضور»):

ب. همه مردم آن زمان که به دلایل مختلف امکان نداشت در آن مجلس تبلیغی حاضر باشند (واژه «شهود»):

ج. همه مردم زمان‌های آینده که هنوز به دنیا نیامده‌اند (واژه «ولادت»):

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها اولین فرهنگ‌ساز غدیر بود، بلکه فرمان عامی در خصوص فرهنگ‌سازی برای غدیر صادر فرمود: «فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند» (همان، ج ۱: ۶۲).

در این فراز از خطبه غدیر، فرمان رسول خدا ۶ برای فرهنگ‌سازی غدیر، در دو فاز بزرگ و کوچک جامعه، یعنی محیط‌های عمومی و محیط‌های خانوادگی، و به بلندای «تا قیامت»

است. تصور گستردگی چنین فرمانی این تصویر را در برابر چشمان فرد نمایان می‌سازد که این دستور در طول زمان و با توجه به ازدیاد جمعیت به موازات آن، شبیه درخت تبلیغی خواهد که روز به روز بر تعداد شاخه‌های آن افزوده می‌شود (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۲۰). به عبارت دیگر، این امر به تبلیغ دائمی چه از نظر زمانی و چه از نظر گسترش مکانی و در هر فرصتی اشاره دارد.

۴-۳-۱۱. بهره‌گیری از هنر

از جمله شیوه‌ها برای ایجاد و تثبیت و گسترش یک گفتمان، بهره‌گیری از ظرفیت هنر است. شعر که نمونه بارز هنر به شمار می‌رود، گذشته از زیبایی، با تراز موزونی که در قرائت دارد، در همه ملت‌ها برای بقا و حفظ فرهنگ آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شیوه در فرهنگ‌سازی غدیر نیز توسط پیامبر ﷺ مورد استفاده قرار گرفت و در پی آن سایر امامان معصوم نیز از این شیوه بهره گرفتند.

با پایان خطابه پیامبر ﷺ در غدیر، حسان بن ثابت با در نظر گرفتن قسمت‌های اصلی خطبه و مقدماتی که برای اجرای آن فراهم شد، داستان غدیر را به صورت قطعه شعری تنظیم کرد. آنگاه خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله، اجازه می‌فرمایید شعری را که درباره علی بن ابی طالب - به مناسبت این واقعه عظیم - سروده‌ام، بخوانم؟ حضرت فرمود: بخوان به نام خدا و برکت او.

حسان بر جای بلندی قرار گرفت و مردم برای شنیدن کلامش ازدحام کردند، در حالی که برای بهتر شنیدن شعرش گردن می‌کشیدند. در این حال قبل از قرائت شعرش پاسخ اعتراض احتمالی را آماده کرد و گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید».

سپس اشعاری را که همانجا سروده بود خواند، که به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. پس از اشعار حسان، پیامبر ﷺ فرمود: «ای حسان، تا مادامی که با زبان از ما دفاع می‌کنی، از سوی روح القدس مؤید خواهی بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۳۸۸، ج ۳۷: ۱۱۲، ۱۶۶، ۱۹۵).

۵. تلخیصی از شیوه‌ها و ابزارهای گفتمان‌سازی ولایت

مجموع شیوه‌ها و ابزارهای مبتنی بر مدل مفهومی گفتمان‌سازی در جدول زیر خلاصه شده

است:

ردیف	شیوه	جایگاه در مدل مفهومی و مدل فرآیند گفتمان‌سازی	ابزار
۱	بصیرت و آگاهی‌بخشی	تصور و ادراک	گفتار (سخنرانی)
۲	استدلال و برهان (اقناع‌سازی)	فطرت، تصور و ادراک، شوق، تصدیق	گفتار (سخنرانی)
۳	تبیین (اقناع‌سازی)	فطرت، تصور و ادراک، شوق، تصدیق	گفتار (سخنرانی)
۴	پیوند امر دیگری به موضوع گفتمان (مثل رسالت به ولایت)	تصور و ادراک، تصدیق	گفتار (سخنرانی)
۵	تأکید	تصور و ادراک، خلق	گفتار (سخنرانی)
			نوشتار (کتابت)
			رفتاری (اقرار گرفتن)
۶	ایجاد حساسیت	تصور و ادراک، تصدیق	گفتار (سخنرانی)
			رفتار (دادن مسئولیت)
۷	تبشیر و انداز	شوق	گفتار (سخنرانی)
۸	تکرار و تذکر	فطرت، تصور و ادراک، خلق	گفتار (سخنرانی)
۹	تبلیغ عملی	تصور و ادراک، تصدیق، شوق، خلق	رفتار (ساخت نماد، خوشحالی در چهره، جانشینی)
۱۰	دستور (امر به فرهنگ‌سازی)	شوق	گفتگوی چهره به چهره
۱۱	بهره‌گیری از هنر	تصور و ادراک، شوق	گفتار (شعرخوانی)
			نوشتار (کتابت)

۶. نتیجه‌گیری

گفتمان ولایت از جمله گفتمان‌های نوظهور در شبه جزیره عربستان مقارن با ظهور اسلام است. گفتمان ولایت در اسلام ناظر به رابطه انسان با خالق خویش است و ولایت خدا نسبت به انسان‌ها و ولایت انسان‌ها نسبت خداوند را در مرتبه بعد از خالقیت اثبات می‌کند. بر همین اساس سلسله مراتب ولایت شکل می‌گیرد که عبارت است از ولایت خداوند، ولایت پیامبر، ولایت امام معصوم و ولایت فقیه.

آموزه‌های دینی (قرآن کریم، سیره و روایات معصومان) در تبیین شیوه‌ها و ابزارهای گفتمان‌سازی ولایت، بهترین الگو و اسلوب را ارائه نموده است. شیوه آگاهی‌بخشی، استدلال و برهان، پیوند رسالت به ولایت، تبیین و ترسیم مراحل ولایت، تأکید بر ابلاغ و تبلیغ ولایت، ایجاد حساسیت، تبشیر و انداز، تکرار و تذکر، تبلیغ عملی (جاننشینی پیامبر ۶ در زمان حیات ایشان، ساخت نماد)، امر به فرهنگ‌سازی و بهره‌گیری از هنر از جمله شیوه‌های ایجاد گفتمان ولایت به ویژه در عصر رسالت به شمار می‌رود.

ابزارهایی که در شیوه‌هایی که به آنها اشاره شد، مورد استفاده قرار گرفته است را می‌توان در گفتاری (سخنرانی فردی و عمومی)، نوشتاری و رفتاری خلاصه نمود؛ که البته این بدان معنا نیست که از سایر ابزارهای آموزشی و تربیتی که امروزه به وجود آمده است، نتوان در ایجاد، توسعه و تثبیت این گفتمان بهره گرفت.

کتابنامه

قرآن کریم

اسکندری، محمدرضا (۱۳۹۴). اهمیت و جایگاه گفتمان‌سازی در منظومه فکری رهبری. بصیرت، دسترسی در: <http://basirat.ir/>.

انصاری، محمدباقر (۱۳۹۱). تبلیغ غدیر در سیره معصومین، قم، دلیل ما.

انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۳۸۲). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام

علی بن ابی طالب علیه السلام. (محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، محقق). قم، مؤسسه الإمام

المهدی علیه السلام.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ توحید در قرآن. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). ر حیق مختوم. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). شمیم ولایت. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ الف). تفسیر تسنیم. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ب). تفسیر انسان به انسان. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ پ). ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت. قم، اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ق). إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. بیروت، اعلمی.

بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، (صفوان عدنان داودی،

محقق). بیروت، دار العلم.

شبه‌دینی پاشاکی، محمد، عالی نژاد، صمد، طاهرزاده، غلامعباس، کریمی خوشحال، علی، و

مظفری، محمد (۱۳۹۲). اسوه‌های ولایت‌مداری (از عصر رسالت تا عصر غیبت). قم، زمزم

هدایت.

شبه‌دینی پاشاکی، محمد، سرافراز، محمود، و کریمی خوشحال، علی (۱۳۹۵). گفتمان‌های

دینی، شیوه‌ها و ابزارها، قم، زمزم هدایت.

شیبانی جزری (ابن اثیر)، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم،

مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

- صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم (۱۹۸۱ م). الحكمة المتعالية فى الأسفار العقلية. (سيدمحمد حسين طباطبايى، حاشيه). بيروت، دار الاحياء التراث العربى.
- صدرا، محمد (۱۳۸۶). نظريه‌هاى گفتمان (از زبان‌شناسى تا علوم سياسى). مطالعات انقلاب اسلامى، ۳(۹ و ۱۰)، ۱۷۱-۲۰۸.
- طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۳۶۲). نهايء الحكمة. قم، دفتر انتشارات اسلامى.
- طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ ق). الميزان فى تفسير القرآن. قم، دفتر انتشارات اسلامى.
- طبرسى، احمد بن على (۱۴۰۳ ق). الإحتجاج على أهل اللجاج. (محمدباقر خرسان، مصحح). مشهد، مرتضى.
- فتال نيشابورى، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظين و بصيرة المتعظين. قم، رضى.
- كرباسيان، قاسم (۱۳۹۴). گفتمان. پژوهشكده باقر العلوم. دسترسى در: <http://www.pajoohe.com/>
- كلانترى، عبدالحسين (۱۳۹۱). گفتمان از سه منظر زبان‌شناختى، فلسفى و جامعه‌شناختى. تهران، جامعه‌شناسان.
- مجلسى، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بيروت، دار احياء التراث العربى.
- مصباح، على و عباس گرابى (۱۳۸۹). تربيت دينى و فاعل ارادى. اسلام و پژوهش‌هاى تربيتى، ۲(۱)، ۱۲۵-۱۴۵.
- مطهرى، مرتضى (۱۳۷۲). مجموعه آثار. تهران، صدرا.
- مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق الف). الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد. قم، مؤسسة آل البيت.
- مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق ب). الأمالى. (حسين استادولى و على اكبر غفارى، مصححان). قم، مؤسسة آل البيت.
- مكارم شيرازى، ناصر (۱۳۷۴). تفسير نمونه. تهران، دار الكتب الإسلامية.
- نعيمى، سيدمجتبى (۱۳۹۴). راهكارهاى گفتمان‌سازى الكوى اسلامى ايرانى پيشرفت. پايگاه تحليلى تبينى برهان، دسترسى در: <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=4935>
- هلالى، سليم بن قيس (۱۴۰۵ ق). كتاب سليم بن قيس الهلالي. (محمد انصارى زنجانى خوئينى، مصحح). قم، الهادى.